



# اصول فقه ۴ (حلقه ثالثه)

## درس ۵

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: یاسر سعادت‌تی

در درس های قبل گذشت که صحیحۀ رعا ف ، دارای شش سؤال و جواب می باشد که فقره سوم و ششم آن ، صلاحیت استدلال بر حجیت استصحاب را دارند و بیان شد که مراد زراره از سؤال سوم این حدیث، دقیقاً مشخص نیست. در نگاه اول، چهار فرضیه نسبت به این سؤال مطرح می گردد. هر چند برخی از این ها اصلاً قابل قبول نیست؛ چنان که فرضیه اول -که در درس قبل بیان شد- قابل التزام نمی باشد و نمی توان آن را مراد زراره دانست. در این درس، دو فرضیه دیگر نیز بیان می شود. بنابر فرضیه دوم، جواب امام(ع) بین قاعده یقین و استصحاب مردد است و طبق این فرضیه، به خاطر اجمال، نمی توان به این فقره استدلال نمود؛ اما در فرضیه سوم، فقط استصحاب به لحاظ حال نماز جاری می شود.

[و هذا المقطع هو الموضوع الاول للاستدلال، و فى بادئ الامر يمكن طرح اربع فرضيات فى تصوير الحالة التى طرحت فى هذا المقطع. الفرضية الاولى...].

الفرضية الثانية: أن يفرض حصول القطع بعدم النجاسة عند الفحص كما سبق، و الشك عند وجدان النجاسة بعد الصلاة فى أنها تلك أو نجاسة متأخرة. و هذه الفرضية تصلح لإجراء الاستصحاب فعلاً فى ظرف السؤال، لأن المكلف على يقين من عدم النجاسة قبل ظن الإصابة فيستصحب. كما أنها تصلح لإجراء قاعدة اليقين فعلاً فى ظرف السؤال، لأن المكلف كان على يقين من الطهارة بعد الفحص و قد شك الآن فى صحة يقينه هذا.

الفرضية الثالثة: عكس الفرضية السابقة بأن يفرض عدم حصول القطع بالعدم عند الفحص، و حصول القطع عند وجدان النجاسة بأنها ما فحص عنه. و فى مثل ذلك لا يمكن إجراء أى قاعدة للشك فعلاً فى ظرف السؤال لعدم الشك، و إنما الممكن جريان الاستصحاب فى ظرف الفحص و الإقدام على الصلاة.

**فقره سوم صحیحہ رعاف:** زرارہ می گوید: از امام (ع) پرسیدم: اگر به اصابت خون بینی به لباس گمان داشته باشم و یقین به آن پیدا نکنم، پس در لباس آن را جستجو کرده و آن را پیدا نکنم، سپس نماز را در همان لباس خوانده اما بعد از نماز خونی را در لباس ببینم، [حکمش چیست؟] امام (ع) فرمودند: لباس را بشوی و نماز را اعاده مکن. پرسیدم برای چه؟ حضرت فرمودند: زیرا تو یقین به طهارت داشتی، سپس در آن شک کردی و هرگز شایسته نیست که یقین را به سبب شک نقض نمایی.

در نگاه نخست، در مورد سؤال سوم زرارہ، چهار فرضیه تصور می شود؛ هرچند که برخی از آنها اصلاً قابل التزام نیست.

### فرضیه نخست

این فرضیه از دو بند تشکیل می شود:

**الف)** قبل از نماز، مکلف، به عدم نجاست علم و یقین دارد.

**ب)** بعد از نماز، مکلف، به وقوع نماز در لباس نجس یقین دارد.

این فرضیه نمی تواند مراد زرارہ باشد؛ زیرا در این فرضیه، هیچ جایی برای شک فرض نشده است؛ بنابراین هیچ قاعده ای از قواعد شک نمی تواند در این فرضیه جاری باشد، در حالی که امام (ع) در پاسخ به این سؤال، شک مکلف را فرض نموده و فرموده اند «ثم شککت» که معلوم می شود در سؤال زرارہ شکی نهفته بوده است؛ به همین خاطر امام (ع) یکی از قواعد مربوط به شک را به عنوان تعلیل با عبارت «لا تنقض اليقين ابداً بالشك» بیان نموده اند، پس برای این فرضیه که جایی را برای شک مکلف در نظر نگرفته است، مجال نیست و قطعاً این فرضیه مراد زرارہ نمی باشد.

### استصحاب به لحاظ حال نماز و حال سؤال

فقره سوم صحیحہ رعاف، در صورتی قابلیت استدلال بر حجیت استصحاب را دارد که سؤال زرارہ در این فقره، در مورد مجرای قاعده استصحاب باشد. استصحاب در این سؤال، به دو صورت متصور است:

**الف)** استصحاب به لحاظ حال نماز: به این گونه است که مکلف در حال نماز، در نجس بودن لباسش شک داشته است؛ به این معنا که مکلف، اساساً با شک در نجاست وارد نماز شده است.

**ب)** استصحاب به لحاظ حال سؤال: یعنی مکلف، در حال سؤال و بعد از دیدن نجاست در لباسش بعد از نماز، شک می کند که آیا نمازی را که خوانده در لباس نجس بوده است یا در لباس طاهر؟

**نکته:** در هر دو قسم استصحاب (به لحاظ حال سؤال و به لحاظ حال نماز)، مستصحب، عدم نجاست می باشد و فرقی در مستصحب این دو استصحاب وجود ندارد. فرق میان آن دو، فقط به لحاظ حال حصول شک می باشد که این حال حصول شک، می تواند حال نماز باشد یا حال سؤال.

بنابراین وقتی که گفته می شود استصحاب در فرضیه اول برای سؤال زرارہ، نه به لحاظ حال سؤال جاری است و نه به لحاظ حال نماز، به این معنا است که در هنگام نماز، چون فرض ما بر این است که مکلف، به طهارت یقین دارد، استصحاب جاری نیست؛ زیرا شکی به لحاظ این حالت وجود ندارد که بخواهد استصحاب جاری شود. اما به لحاظ حال سؤال نیز استصحاب جاری نمی شود؛ زیرا بعد از نماز، با دیدن نجاست، یقین پیدا کرد که نمازش در لباس نجس بوده

است و شک در آن ندارد که استصحاب جاری کند؛ بنابراین طبق فرضیه نخست، هیچ یک از قواعد مربوط به شک نمی‌تواند جاری شود؛ نه به لحاظ حال سؤال و نه به لحاظ حال نماز.

**Sco ۱: ۶:۲۵**

## فرضیه دوم

فرضیه دوم نیز مانند فرضیه اول متشکل از دو ویژگی و مشخص می‌باشد:  
الف) قطع به عدم نجاست لباس در قبل از نماز.

ب) شک در نجاست بعد از نماز.

**توضیح:** مکلف بعد از فحص از نجاست و نیافتن آن، به عدم نجاست یقین پیدا کرده است؛ بنابراین او با قطع به عدم نجاست وارد نماز شده است؛ اما نجاستی که بعد از نماز پیدا کرده است، برای مکلف، این شک را ایجاد کرده که آیا این نجاست از پیش از نماز در لباس او بوده یا بعد از نماز حادث شده است.

## جریان قاعده یقین و استصحاب نسبت به این فرضیه

در فرضیه دوم هم امکان دارد مراد امام (ع) قاعده یقین باشد و هم ممکن است قاعده استصحاب باشد؛ چون ارکان هر دو قاعده در این فرضیه تمام است.

## تمامیت ارکان استصحاب در فرضیه دوم

علت تمامیت ارکان استصحاب در فرضیه دوم این است که مکلف، قبل از آن که ظن در نجاست لباسش شک کند، به عدم نجاست یقین داشته است؛ حال بعد از نماز، شک در وقوع نماز در نجاست دارد؛ بنابراین نسبت به حال او در وقت سؤال، استصحاب جاری است؛ یعنی او همین الآن که شک دارد نمازش در لباس طاهر واقع شده است یا نه، می‌تواند در هنگام نماز، طهارت لباسش را با استصحاب طهارتی که پیش از نماز به آن یقین داشت، اثبات نماید.

## تمامیت ارکان قاعده یقین در فرضیه دوم

ارکان قاعده یقین هم در این فرضیه تمام است؛ زیرا در این فرضیه، هم یقین به عدم نجاست در هنگام نماز و هم شک در نجاست لباس در هنگام نماز وجود دارد. البته این شک، بعد از نماز و رؤیت نجاست در لباس حاصل می‌گردد؛ بنابراین، این شک، به یقین سابق سرایت می‌کند؛ یعنی همان گونه که قبل از نماز، به طهارت لباس در قبل از نماز یقین داشت، در بعد از نماز هم عیناً شک او به طهارت قبل از نماز تعلق گرفته است و شک کرده که یقین او به طهارت صحیح بوده است یا خیر؟ بنابراین کلام امام (ع) می‌تواند بیان‌گر قاعده یقین نیز باشد. به همین خاطر، طبق فرضیه دوم، فقره سوم از صحیحۀ رعاف، مجمل می‌باشد و نمی‌توان لب‌آن، بر حجیت قاعده استصحاب تمسک نمود.

## متن عربی و نکات تطبیقی

الفرضية الثانية: أن يفرض حصول القطع بعدم النجاسة عند الفحص كما سبق، و الشك (۱) عند وجدان النجاسة بعد الصلاة في أنها (۲) تلك (۳) أو نجاسة متأخرة. وهذه الفرضية تصلح لإجراء الاستصحاب فعلاً (۴) في ظرف السؤال (۵)، لأن المكلف على يقين من عدم النجاسة قبل ظن الإصابة فيستصحاب (۶). كما أنها (۷) تصلح لإجراء قاعدة اليقين فعلاً في ظرف السؤال، لأن المكلف كان على يقين من الطهارة بعد الفحص و قد شك الآن في صحة يقينه هذا.

۱. معطوفٌ عليه: القطع.

۲. مرجع ضمیر: النجاسة.

۳. مشارٌ اليه: النجاسة التي ظن بها قبل الصلاة.

۴. یعنی: در ظرف سؤال و همین الآن که بعد از رؤیت، برایش شک حاصل شده است.

۵. قید توضیحی برای فعلاً می باشد و قید احترازی نیست.

۶. اگر معلوم خوانده شود، فاعل آن، مکلف می باشد و اگر مجهول خوانده شود، نائب فاعل آن، عدم النجاسة می باشد.

۷. مرجع ضمیر: هذه الفرضية.

## Sco<sup>۲</sup>: ۱۷:۰۷

### فرضیه سوم

فرضیه سوم، عکس فرضیه دوم می باشد؛ یعنی در این فرضیه، مکلف بعد از نماز، به وقوع نماز در لباس نجس، یقین داشته و بمطهارة لباس، قبل از نماز شک دارد؛ به این معنا که مکلف، با فحص از نجاست و نیافتن آن، به عدم نجاست یقین پیدا نکرد و با همان حالت شک در نجاست، وارد نماز شد و وقتی که نماز تمام شد و نجاست را در لباسش پیدا کرد، یقین پیدا نمود که این نجاست، همان نجاستی است که قبل از نماز، ظن به وقوع آن داشت.

در این فرضیه، نسبت به حال سؤال، شک مفروض نیست؛ زیرا مکلف در حال سؤال، به وقوع نماز در لباس نجس یقین دارد؛ بنابراین هیچ یک از قواعد مربوط به شک، نسبت به آن جاری نمی باشد. اما نسبت به حال نماز، شک برای مکلف متصور است و او با شک به طهارة، وارد نماز شده است؛ و این شک، مجرای استصحاب است؛ زیرا مکلف بعد از فحص از نجاست، به طهارة یقین پیدا نکرد و با حالت شک وارد نماز شد. اما چون قبل از ظن به نجاست، یقین به طهارة داشته است (زیرا حداقل در زمان موجود شدن این لباس پاک بوده است)، ارکان استصحاب بتمام می باشد.

### عدم جریان قاعده یقین در فرضیه سوم

این فرضیه، هیچ مجالی برای قاعده یقین ندارد؛ زیرا برای اجرای این قاعده باید یقینی وجود داشته باشد که در صحت آن شک حاصل شود؛ یعنی شک بحد خود آن یقین سابق عارض شود و آن را مخدوش کند. اما در این فرضیه تنها یک یقین است که تزلزلی در آن راه پیدا نکرده و ثابت می باشد؛ زیرا یقین به طهارة سابق (قبل از گمان به اصابت نجاست) حتی بعد از رؤیت نجاست (بعد از فراغ از نماز) به قوت خود باقی است.

### متن عربی و نکات تطبیقی

الفرضية الثالثة: عكس الفرضية السابقة بلن يفرض عدم حصول القطع بالعدم عند الفحص، و حصول (۱) القطع عند وجدان النجاسة بأنها (۲) ما فحص عنه. و في مثل ذلك لا يمكن إجراء أي قاعدة للشك فعلاً في ظرف السؤال لعدم الشك، و إنما الممكن جريان الاستصحاب في ظرف الفحص و الإقدام على الصلاة.

۱. معطوفٌ عليه: عدم حصول القطع.

**Sco<sup>۳</sup>: ۲۳:۰۹**

۱. در سؤال زراره، استصحاب به دو صورت (به لحاظ حال نماز و به لحاظ حال سؤال) می‌تواند جاری شود. مراد از استصحاب حال نماز این است که شک مکلف را در نجاست لباس در حین نماز فرض کنیم؛ یعنی ظرف شک، حین نماز باشد و با استصحاب طهارت وارد نماز شود.

و استصحاب به لحاظ حال سؤال یعنی ظرف شک، حین سؤال و بعد از نماز باشد؛ هرچند که در هر دو حالت، مستصحاب، عدم نجاست لباس در حین نماز است.

۲. فرضیه دوم، نسبت به سؤال سوم زراره، دارای دو ویژگی می‌باشد:

الف) قطع به عدم نجاست لباس، قبل از نماز.

ب) شک در نجاست لباس، بعد از نماز.

طبق این فرضیه، جواب امام (ع) به سؤال سوم زراره، هم می‌تواند قاعده یقین باشد و هم قاعده استصحاب؛ به همین خاطر، روایت از این جهت بین این دو قاعده مردد و مجمل می‌باشد.

۳. فرضیه سوم نسبت به سؤال زراره، عکس فرضیه دوم است؛ به این نحو که مکلف بعد از نماز، به وقوع نماز در لباس نجس یقین داشته و به نجس بودن لباس در قبل از نماز شک دارد؛ بنابراین در این فرضیه نسبت به حال سؤال، هیچ یک از قواعد شک جاری نیست. اما نسبت به حال نماز، فقط قاعده استصحاب جاری می‌شود، نه قاعده یقین؛ زیرا برای اجرای این قاعده باید یقینی وجود داشته باشد که در صحت آن شک حاصل شود؛ یعنی شک بر خود آن یقین سابق عارض شود و آن را مخدوش کند. اما در این فرضیه تنها یک یقین است که تزلزل‌ی در آن راه پیدا نکرده و ثابت می‌باشد؛ زیرا یقین به طهارت سابق (قبل از گمان به اصابت نجاست) حتی بعد از رؤیت نجاست (بعد از فراغ از نماز) به قوت خود باقی است.